



معاونت آموزش و کارآفرینی

آموزش و پرورش خلاقیت و نوآوری در مسیر مرجعیت

حمید حمزه زاده

جهاد دانشگاهی علوم پزشکی شهید بهشتی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سه شنبه

۲۶ مهر ماه ۱۴۰۱



گفتار اول

مرجعیت



بخشی از بیانیه رهبرانقلاب
به مناسبت چهل سالگی
پیروزی انقلاب اسلامی ایران

آمادگی برای ظهور و تمدن سازی

آرمان بزرگ انقلاب اسلامی است

عبدالله
- رهبرانقلاب اسلامی -
۲۲ بهمن ۱۳۹۷





تم: جهان بینی / متاپارادایم

ضد موضع:
امانیزم / لیبرالیزم

موضع:
اسلام شیعی

تم: غایت های جامعه

ضد موضع:
مدینه فاضله

موضع:
جامعه توحیدی

تم: غایت های فرد

ضد موضع:
رفاه / امنیت

موضع:
تعالی / فلاح

غایت های
جامعه
جامعه توحیدی
مدینه فاضله

جهان بینی
/ متاپارادایم
اسلام شیعی
امانیزم / لیبرالیزم

غایت های
فرد
تعالی / فلاح
رفاه / امنیت

تم: دکترین امنیتی

موضع:
ضد موضع:
تقابل و تهاجم

موضع:
بازدارندگی فعال

تم: برنامه ریزی فرهنگی

موضع:
ضد موضع:
غربزدگی، از خود بیگانگی

موضع:
مهندسی فرهنگی

تم: آینده نگاری دانش و فناوری

موضع:
ضد موضع:
توسعه بی برنامه، بی تناسب و بدقواره علمی

موضع:
نهیضت نرم افزاری / نقشه جامع علمی کشور

تم: الگوی توسعه

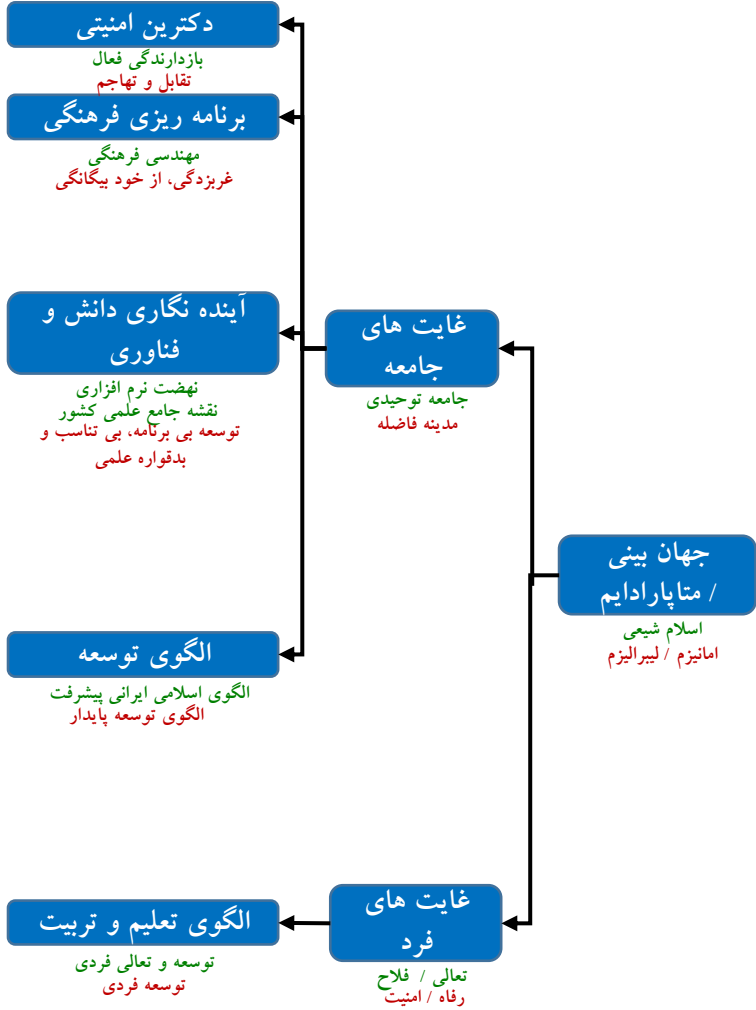
موضع:
ضد موضع:
الگوی توسعه پایدار

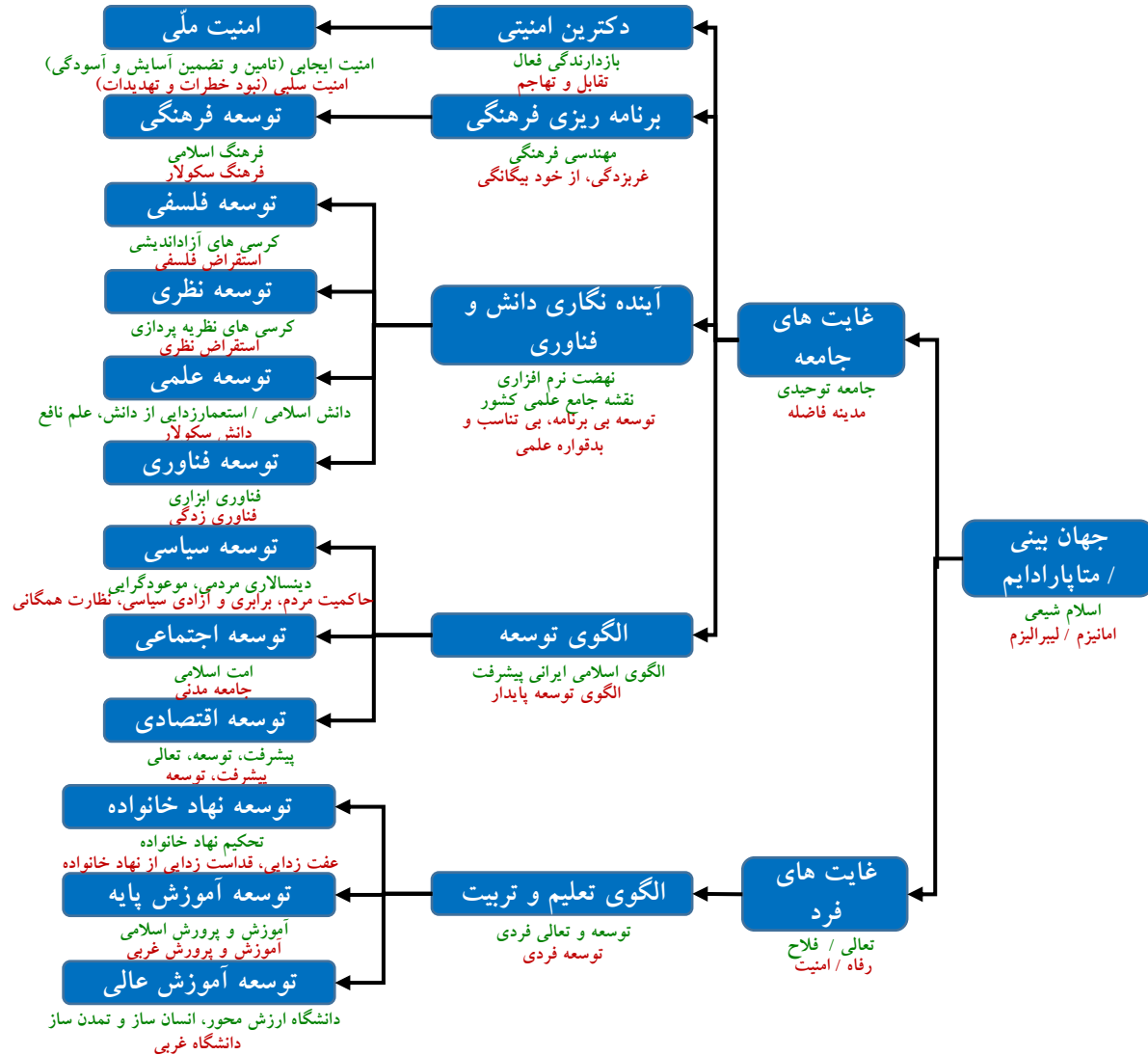
موضع:
الگوی توسعه ایرانی پیشرفت

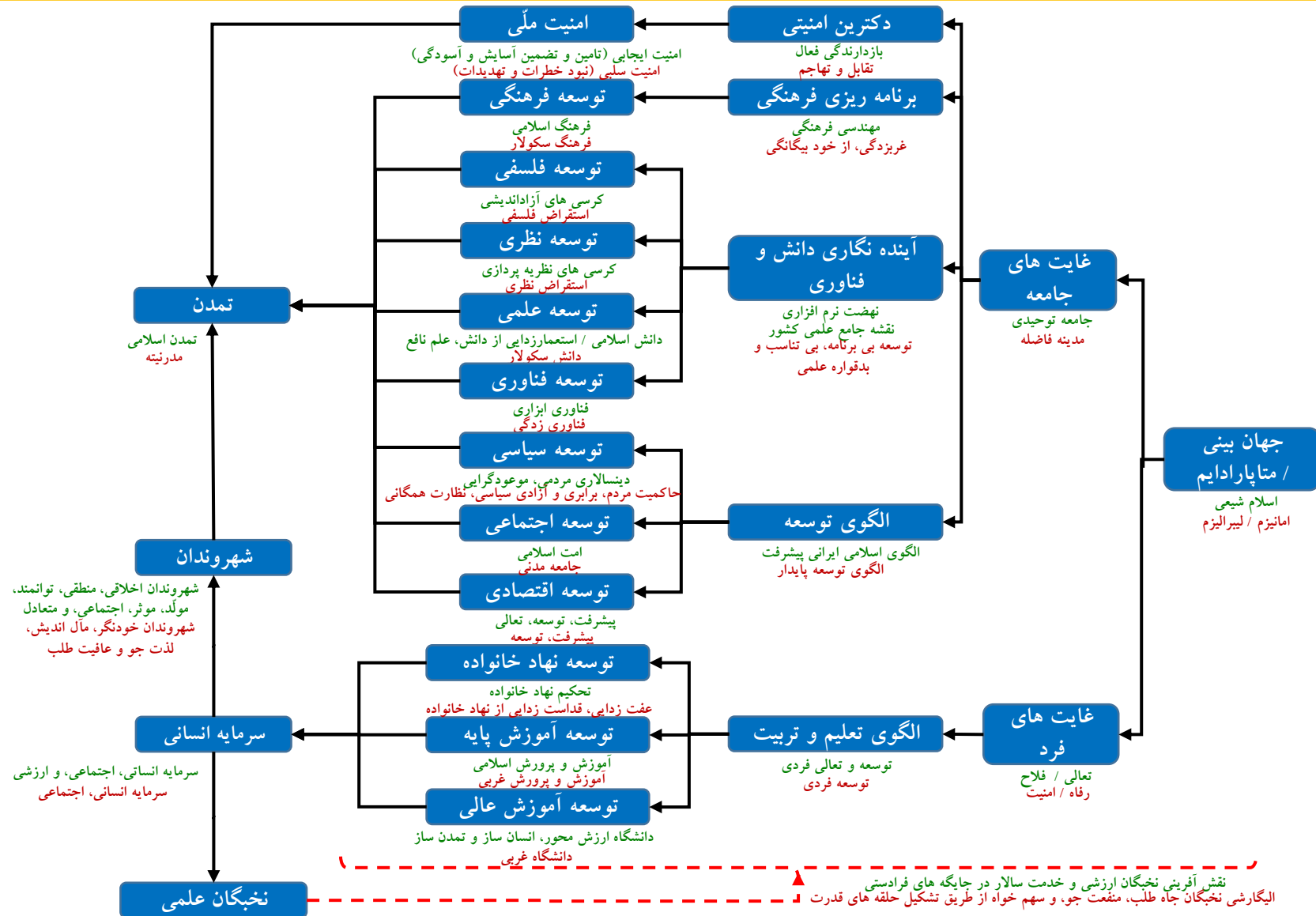
تم: الگوی تعلیم و تربیت

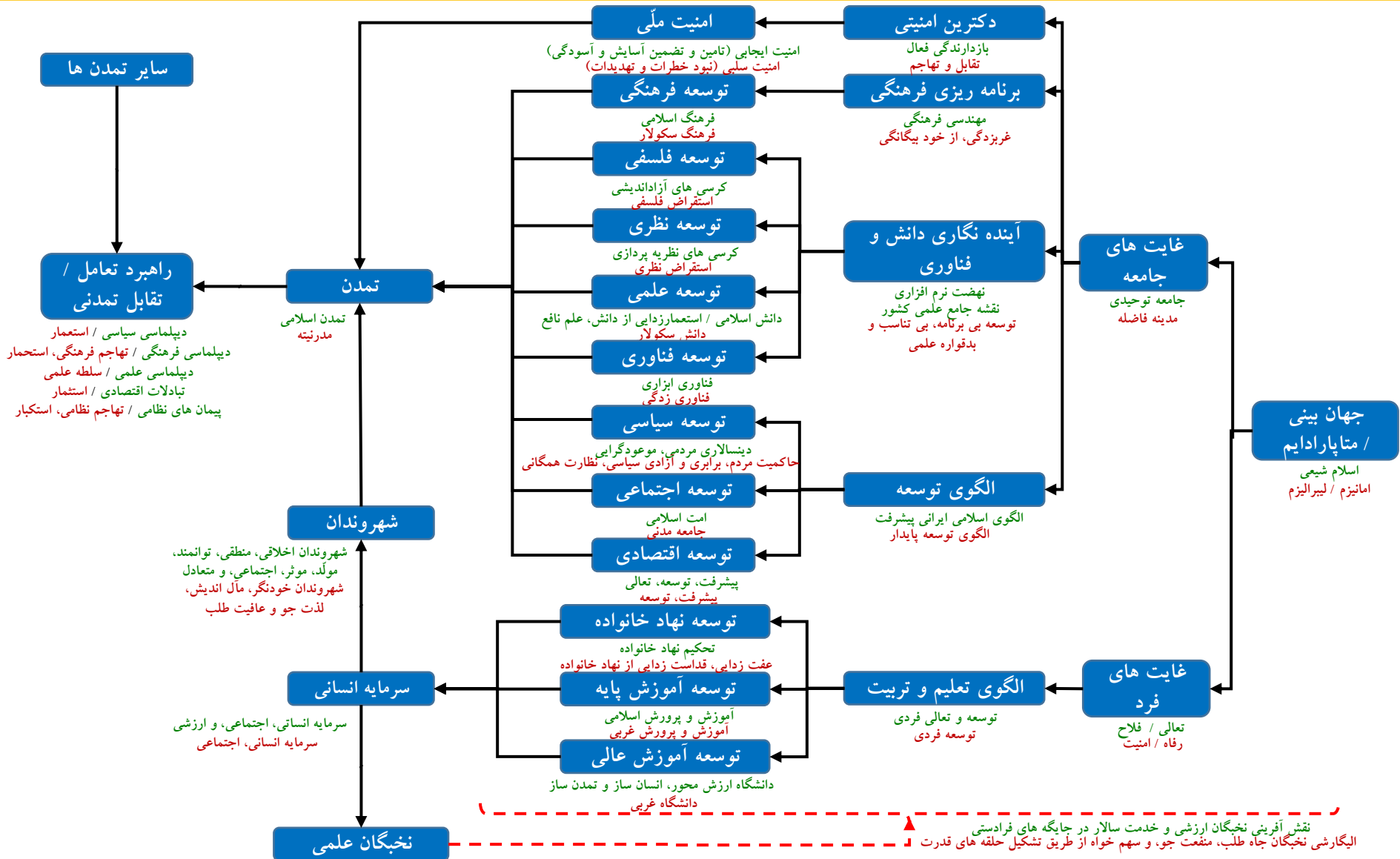
موضع:
ضد موضع:
توسعه فردی

موضع:
توسعه و تعالی فردی

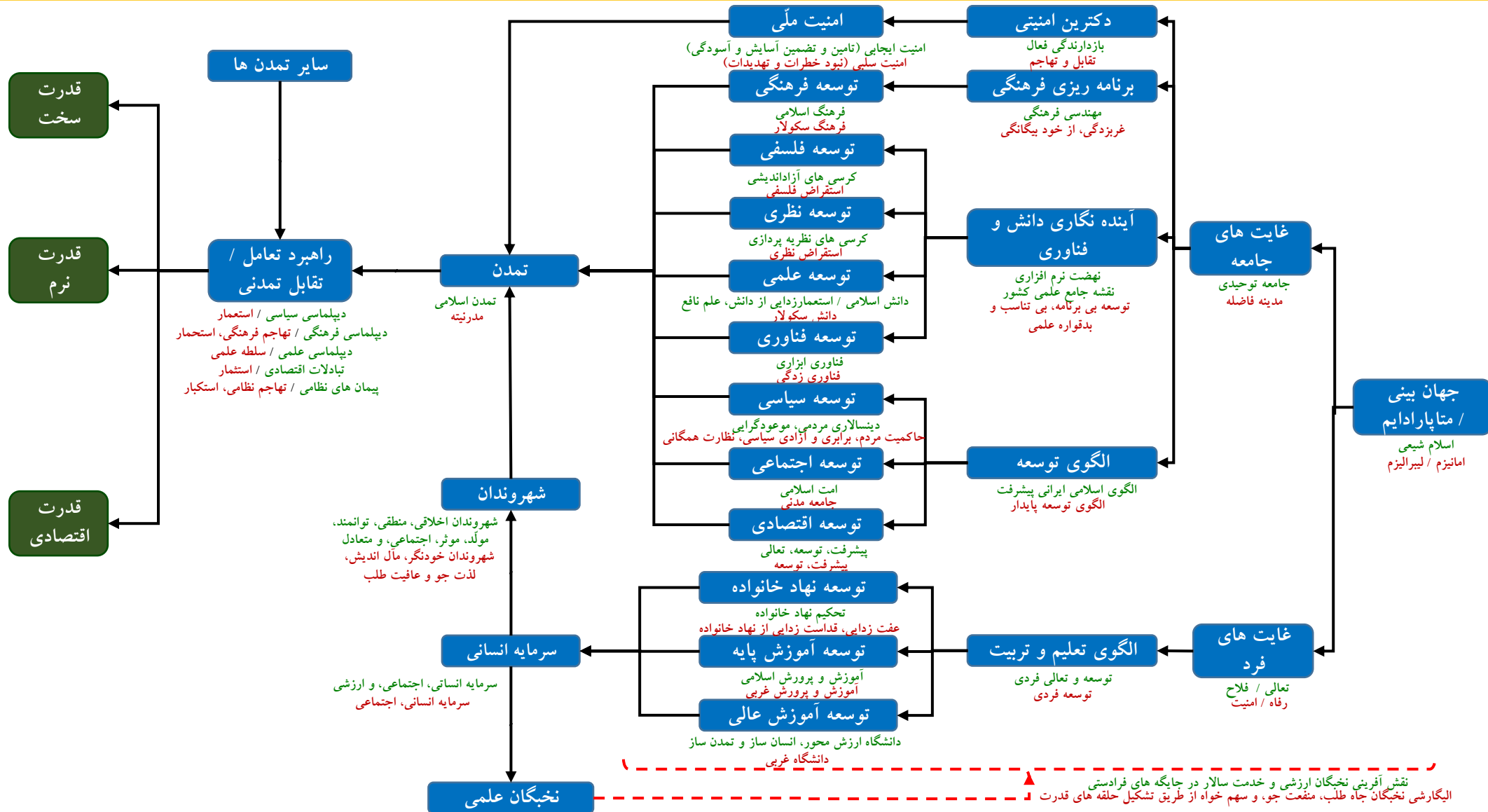


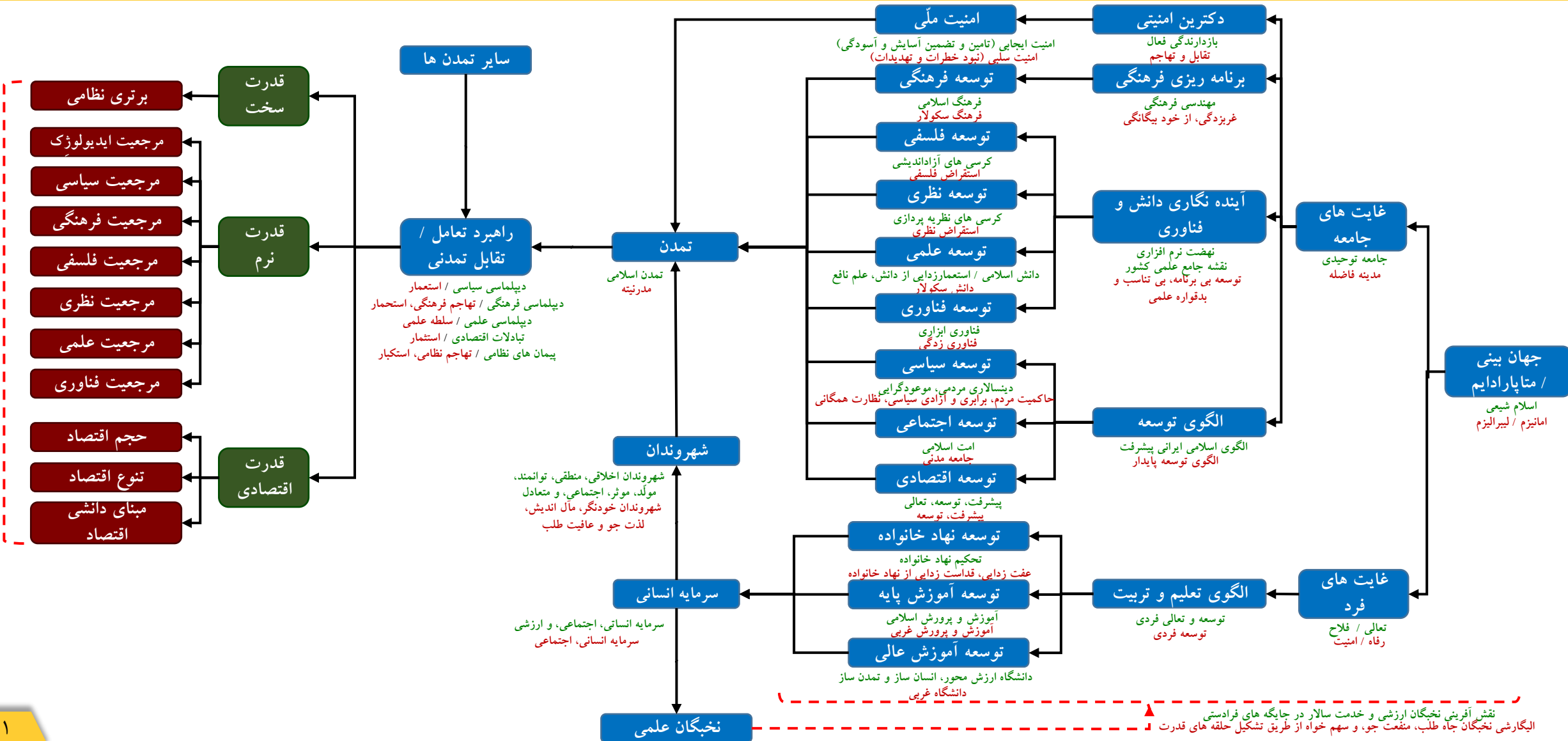


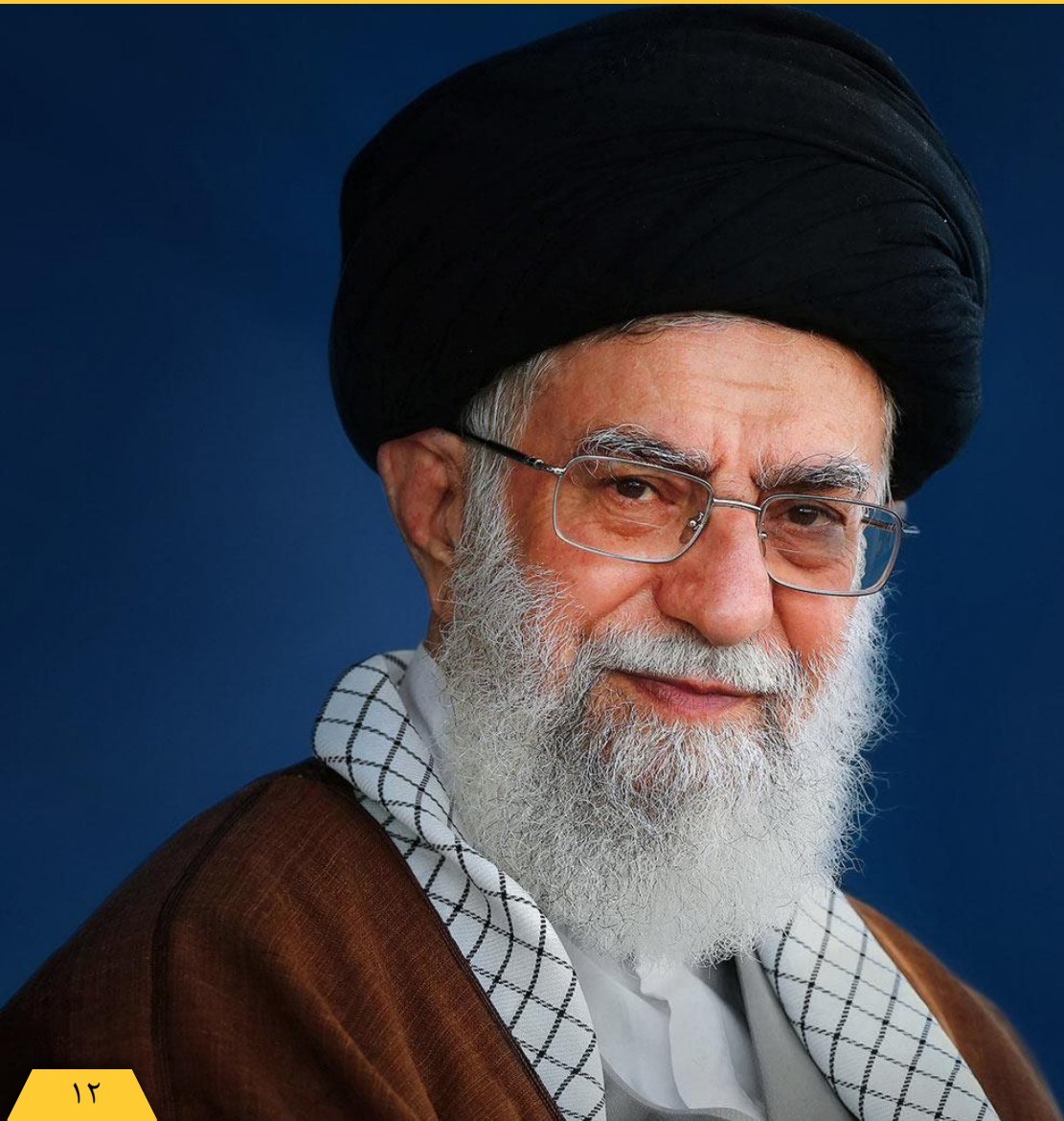




نقش آفرینی نخبگان ارزشی و خدمت سالار در جایگاه های فرادستی
الگاری نخبگان جاه طلب، منفعت جو، و سهم خواه از طریق تشکیل حلقه های قدرت





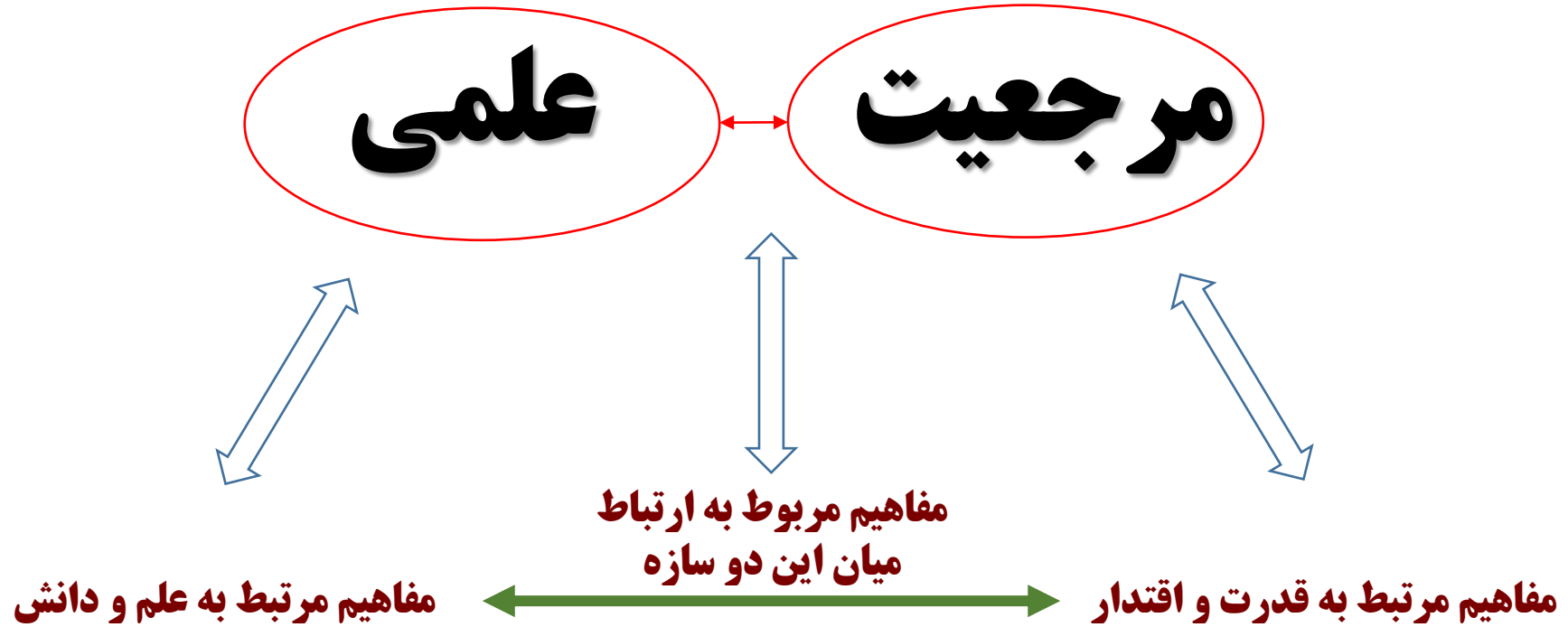


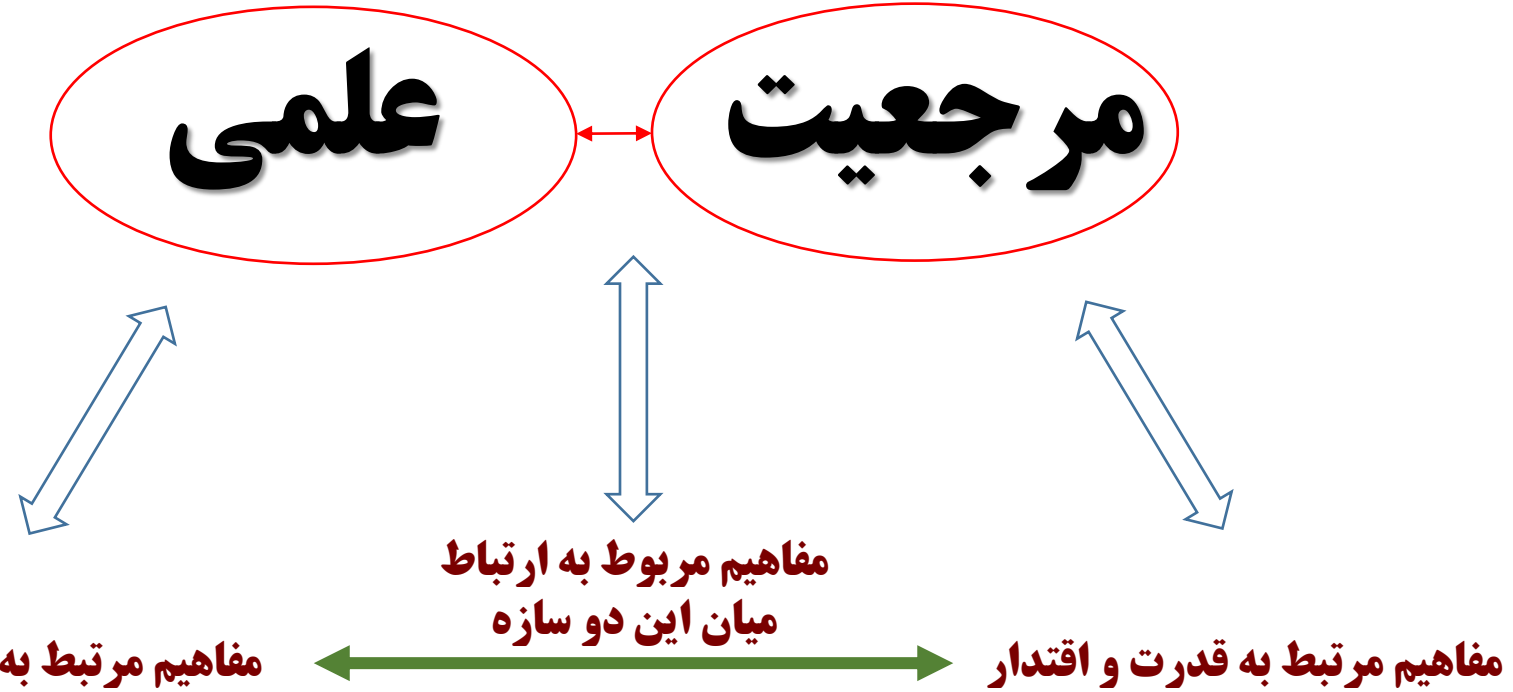
همه ی نشانه ها مژده ی امید به ما می دهند؛ مژده ی پیشرفت می دهند؛ در همه ی بخش ها، و امیدواریم که ان شاء الله این مژده ها در کمتر از یک نسل، تحقق پیدا کند و جوانان ما آن روزی را که ایران اسلامی در جایگاه شایسته ی خود قرار دارد، ببینند. آن روزی که ملت های دنیا، دانشمندان و اندیشمندان عالم احساس کنند به ایران، به زبان ایران، به فرهنگ ایران نیاز دارند برای اینکه گام های نویی را در مسائل علمی بردارند. این روز شدنی است؛ امکان پذیر است.

۱۳۸۷/۰۲/۱۷



مرجعیت علمی





مفاهیم مرتبط به علم و دانش

دانش (Knowledge)

حوزه دانشی (Knowledge Domain)

علم (Science)

حوزه علمی (Scientific Domain)

رشته یا دیسپلین علمی (Scientific Discipline)

دانش (Knowledge)

- دانش را به عنوان باور صادق موجه و یا باور راستین توجیه پذیر تعریف کرده اند.
- بر اساس این تعریف برای اینکه یک گزاره را دانش بدانیم در وحله اول آن گزاره باید درست (صادق، راستین، یا حقیقی) باشد، در وحله دوم باید بخشی از باورهای ما را تشکیل دهد و در وحله سوم باید برای باورمان به آن امر توجیه مناسبی داشته باشیم.

حوزه دانشی (Knowledge Domain)

تجمع دانش حول پدیده های مشخص و یا مسایل مشخص سبب
شکل گیری حوزه های دانشی می شود.

علم (Science)

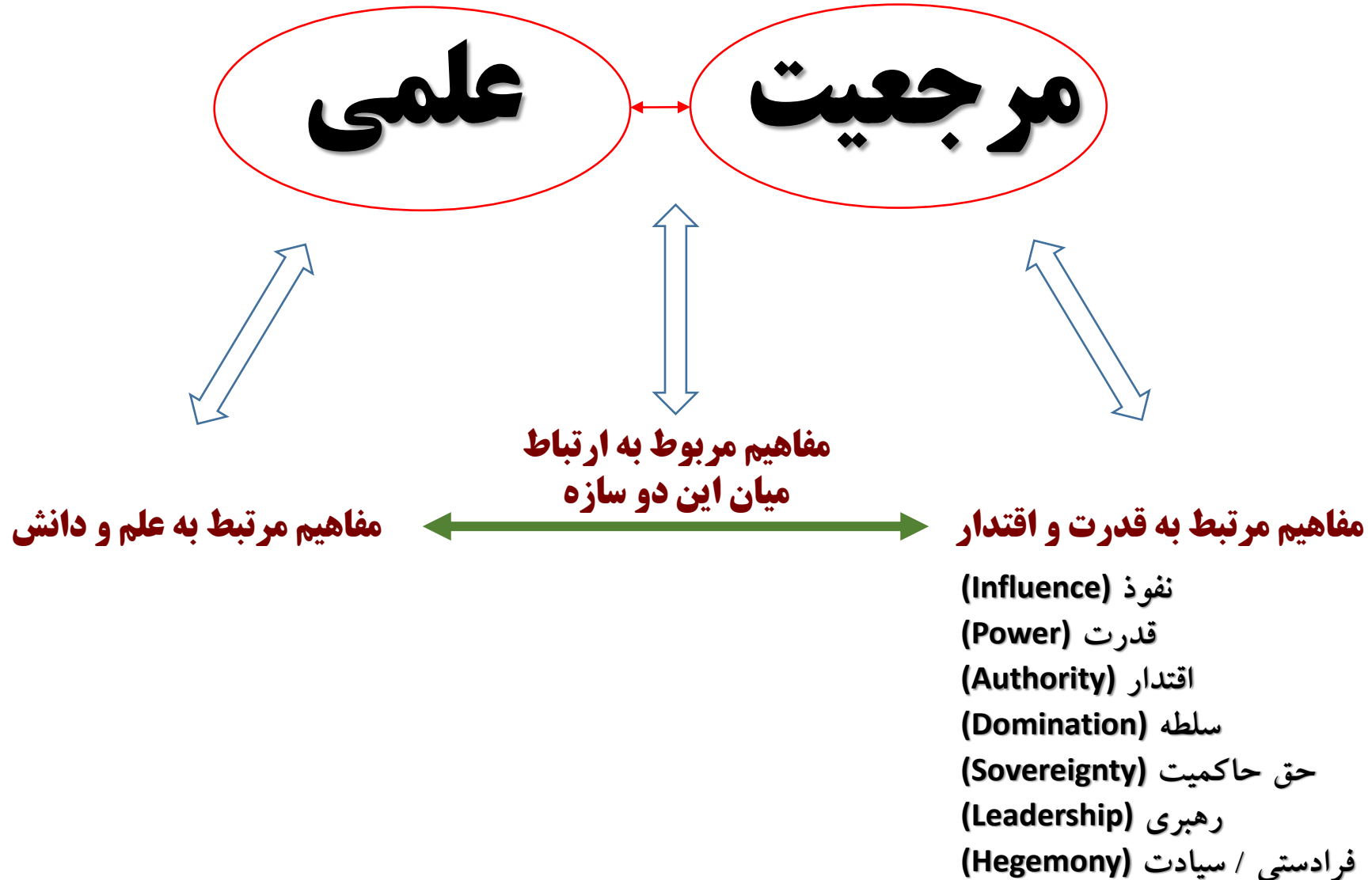
مجموعه فعالیت های فکری و عملی را شامل می شود که به منظور مطالعه سیستماتیک ساختار و رفتار پدیده های جهان صورت می گیرد. این فعالیت ها شامل مشاهده، تبیین، اندازه گیری، توصیف، کاوش، شناسایی، تحلیل، مدل سازی و توجیه نظری پدیده های طبیعی می باشد و دانش حاصل از این فعالیت ها در قالب توضیحات، توجیحات و پیش بینی های قابل آزمایش در مورد پدیده های جهان و توصیه ها و تجویزهای قابل کاربست برای تأثیرگذاری بر روی این پدیده ها می باشد.

حوزه علمی (Scientific Domain)

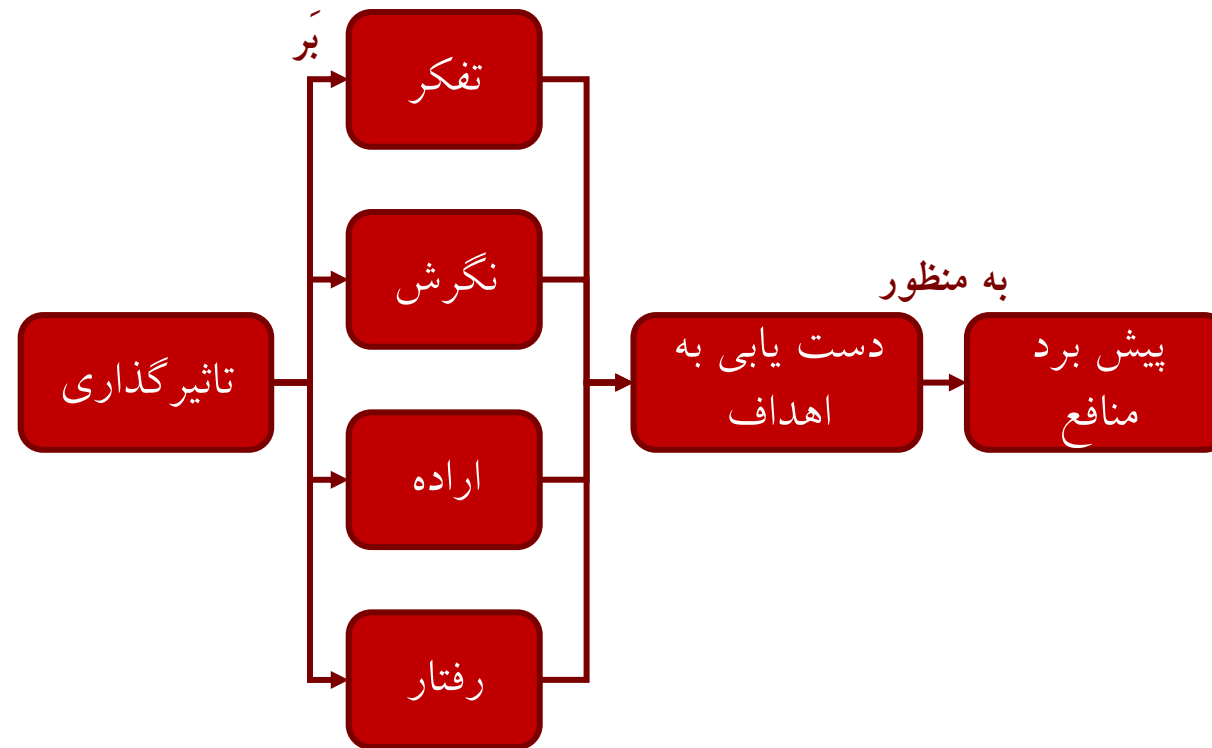
حوزه علمی، یک حوزه دانشی است که توسط نظریه های علمی مقبول و قوی حمایت می گردد. به بیان دیگر یک حوزه علمی متشکل از یک حوزه دانشی می باشد که بخش قابل توجهی از دانش و شواهد آن بر اساس آزمون فرضیات قیاسی منتج از نظریه های علمی شکل گرفته است.

رشته یا دیسیپلین علمی (Scientific Discipline)

یک رشته علمی متشکل از یک حوزه علمی است که مفروضات هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی، مفهوم‌شناسی و ارزش‌شناسی آن تبیین شده باشد. به بیان دیگر با توسعه مبانی فلسفی یک حوزه علمی، یک رشته یا دیسیپلین علمی شکل می‌گیرد.

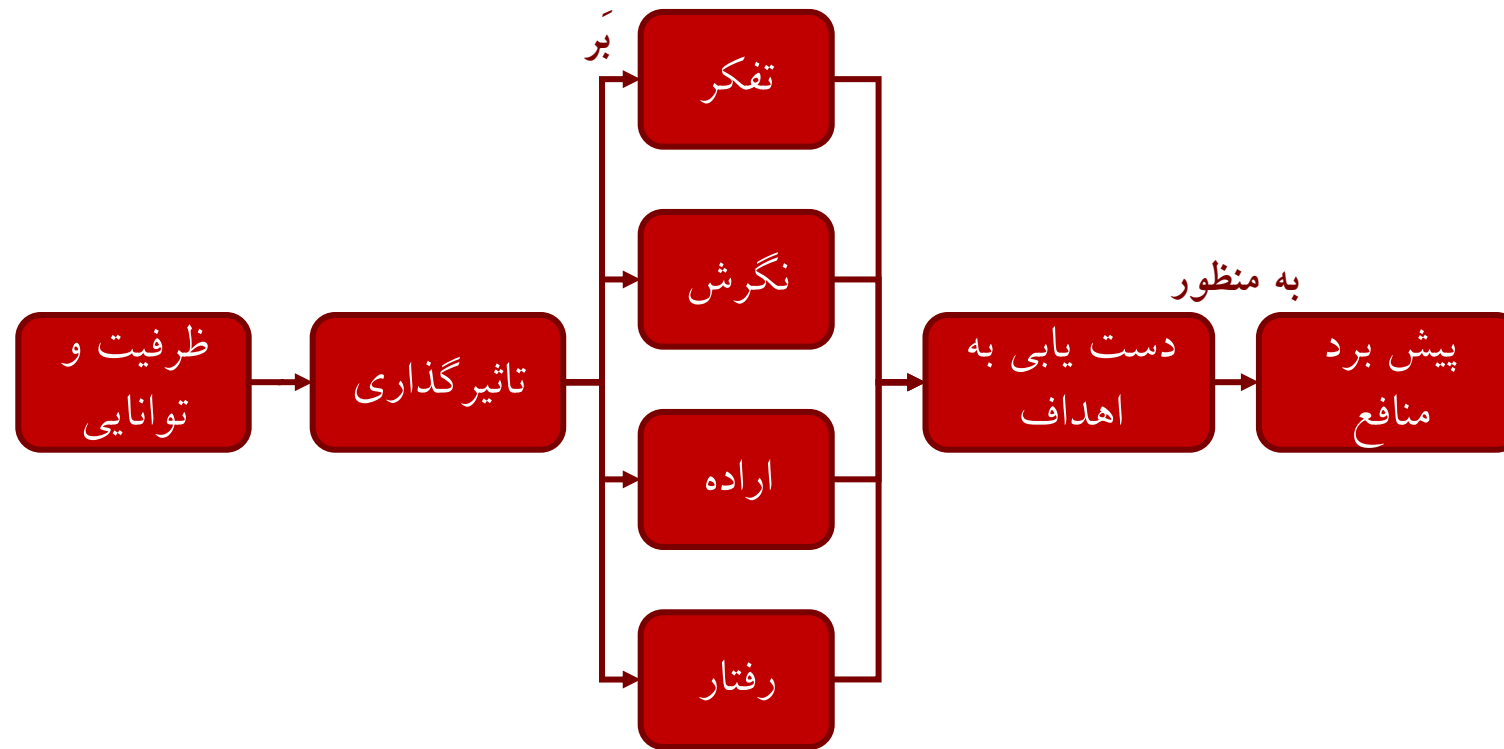


نفوذ (Influence)



نفوذ به معنی تأثیرگذاری فرد یا گروهی از افراد بر نگرش، تفکر، اراده، و رفتار فرد یا گروهی دیگر از افراد به منظور دست یابی به اهداف مشخص و یا پیشبرد منافع خاص می باشد.

قدرت (Power)



قدرت به معنی ظرفیت نفوذ است. قدرت توانایی افراد یا گروه‌ها برای دست‌یابی به هدف‌ها یا پیش‌برد منافع از راه واداشتن و تأثیرگذاری بر دیگر افراد جامعه به انجام‌دادن کارهای مورد نظر آنها است.

مکانیزم اعمال قدرت

- هنگامی که فرد یا گروهی از افراد اعمال قدرت می کنند، سازوکار تبعیت افراد تحت نفوذ می تواند از طرق زیر باشد؛
- اعمال کننده قدرت از طریق وضع قوانین و مقررات مورد نظر خود و با استفاده از سازوکارهای نظارتی افراد را مجاب به رعایت قوانین و مقررات می کند.
 - اعمال کننده قدرت از طریق تنبيه و زور و فشار و تهدید، افراد را از بیم آسیب و ضرر و زیان مجبور به انجام کارهای مورد نظر خود می کند.
 - اعمال کننده قدرت از طریق تزویر و اغفال و نیرنگ و فریب، در افراد باوری کاذب برای انجام کارهای مورد نظر خود ایجاد می کند.
 - اعمال کننده قدرت از طریق پاداش و تشویق و اغوا و تطمیع، افراد را به امید انتفاع به انجام کارهای مورد نظر خود سوق می دهد.
 - اعمال کننده قدرت از طریق انگیزش و تهییج و اقناع، در افراد شکلی از پذیرش و باور قلبی ایجاد می کند و از این طریق افراد را به انجام کارهای مورد نظر خود سوق می دهد.
 - اعمال کننده قدرت از طریق نمایش کمال، تعالی، شکوه و عظمت خود، در افراد شکلی از تسلیم و تواضع ایجاد می کند و از این طریق افراد را به انجام کارهای مورد نظر خود سوق می دهد.

عوامل زمینه ساز قدرت (Power Predisposing Factors)

قدرت قانونی و وابسته به مقام

قدرت قهری ناشی از اعمال زور و اجبار

قدرت وابسته به تشویق و پاداش و دسترسی به منابع

قدرت ناشی از دسترسی به افراد ذی نفوذ و ارتباطات گسترده

قدرت ناشی از قدرت و جذبه شخصیتی

قدرت حاصل از اطلاعات و تخصص

اقتدار (Authority)

اقتدار شکلی از قدرت نهادینه شده است که در آن تأثیرپذیری مبتنی بر یک باور قلبی صادق نمی باشد. مبنای تأثیرپذیری در اقتدار اغلب در سطوح پایین تر نیازهای بشری نهفته است. اقتدار خود به دو شکل سلطه (اقتدار غیرمشروع) و حاکمیت (اقتدار مشروع) طبقه بندی می شود.

سلطه (Domination)

سلطه شکلی از اقتدار نامشروع است که برای پیشبرد اهداف و دست یابی به اهداف فرد یا گروهی خاص بکار گرفته می شود. سلطه به دست یابی و به کارگیری قدرت برای تحقق خواسته های خود به ازای زیر پا گذاشتن خواسته های دیگران اطلاق می گردد. معمولاً دارا بودن ثروت، قوه قاهره و دسترسی به ابزار رسانه زمینه ساز سلطه در نظر گرفته می شود. آن چیزی که سبب تبعیت افراد تحت سلطه از افراد استیلاگر می شود، هراس از زیان و امید به انتفاع و در برخی موارد باور کاذب می باشد. مکانیزم هایی تأثیرگذاری که در ارتباط سلطه بکار گرفته می شود شامل تنبیه، تهدید، اجبار، فشار، سرکوب، پاداش، تشویق، اغوا، تهدید، نیرنگ، اغفال، فریب و تزویر می باشد. بدیهی است اگرچه اراده و رفتار افراد تحت سلطه تحت نفوذ افراد استیلاگر قرار می گیرد، معمولاً تفکر و نگرش آنها تحت تأثیر قرار نمی گیرد و با قطع یا تضعیف مکانیزم های تأثیرگذاری سلطه تبعیت افراد به پایان می رسد.

حق حاکمیت (Sovereignty)

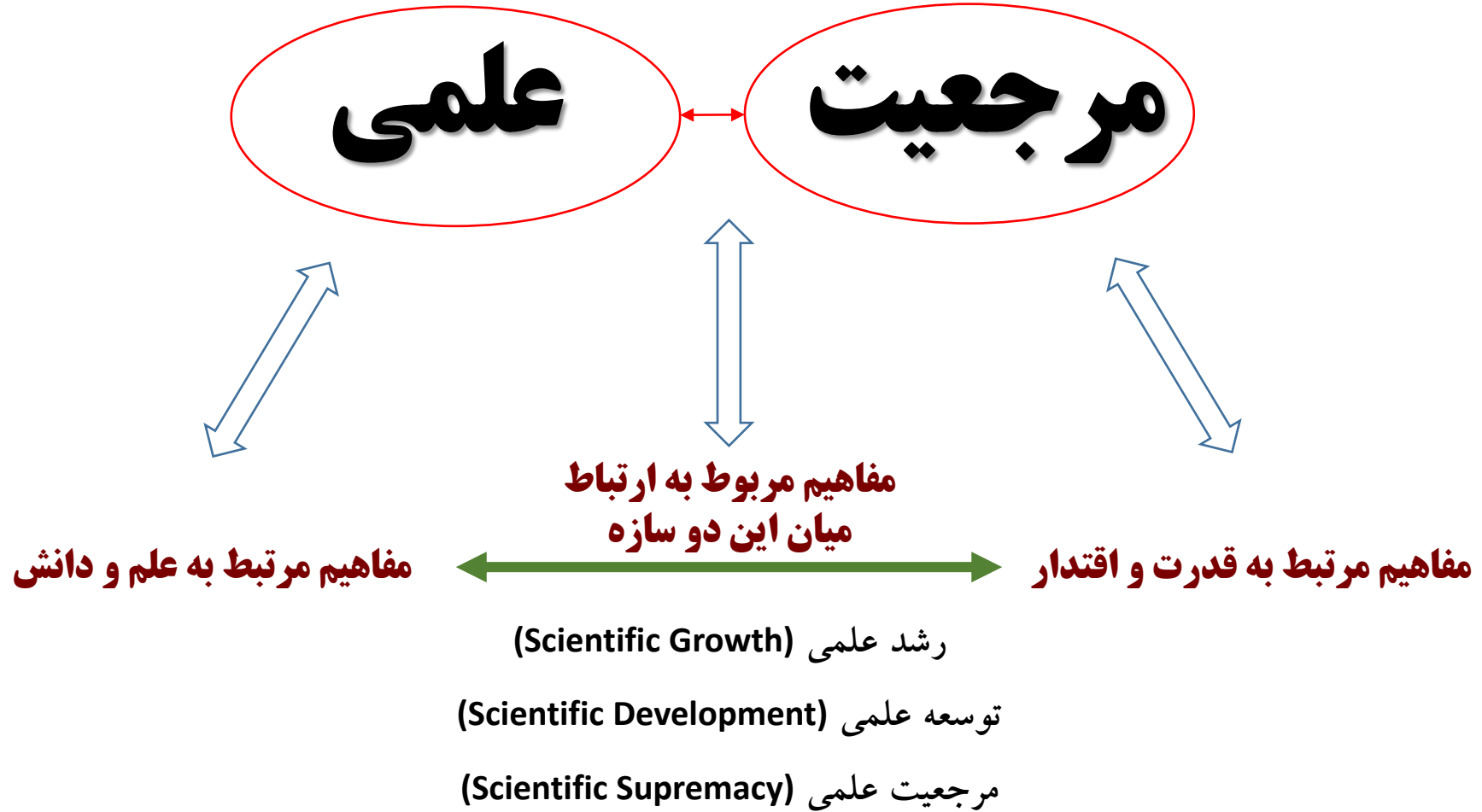
- حق حاکمیت شکلی از اقتدار مشروع است که از قدرت عالیه تصمیم گیری و وضع قوانین و اجرای تصمیمات از سوی حکومت یک کشور حاصل می گردد. فرد یا افرادی که به نمایندگی مردم در رأس دستگاه حکومتی هر کشور قرار می گیرند، بالاترین قدرت تصمیم گیری سیاسی را در کشور دارا می باشند.
- سازوکار قدرت حاکمیتی نظارت بر رعایت قوانین و مقررات و دستورات در طول سلسله مراتب حکومتی و مدیریتی می باشد. شکل غالب قدرت در نظام های مردمسالارانه از نوع حاکمیت است. حاکمیت معمولاً پذیرش هنجاری دارد، یعنی قانون و هنجارهای اجتماعی اقتضاء می کند که انسان از حاکمیت تأثیر بپذیرد. حاکمیت به معنای "حق" نفوذ بر اراده و رفتار دیگران است.

رهبری (Leadership)

- رهبری فرایندی است که در طی آن یک فرد متعامدانه تلاش می کند برای نیل به اهداف از پیش تعیین شده، بر فرد یا افراد دیگر تأثیر بگذارد. چند نکته مهم و درخور توجه در این تعریف نهفته است؛
- رهبری یک "فرایند" است. رهبری یک فعل است. رهبری در هنر انجام یک کار تبلور پیدا می کند.
 - خاستگاه رهبری در یک "فرد" است. سازمان ها رهبری نمی کنند. گروه ها رهبری نمی کنند.
 - تمرکز رهبری بر سایر "افراد یا گروه ها" می باشد. یک رهبر، بدون پیروانش معنی پیدا نمی کند.
 - مرکز ثقل و حیاتی ترین عنصر رهبری، "تأثیرگذاری" است. یک رهبر بر افکار (هدف شناختی رهبری)، احساسات (هدف عاطفی رهبری)، و اعمال (هدف رفتاری رهبری) پیروانش تأثیر می گذارد.
 - رهبری به منظور "تحقق اهداف مشخص" صورت می گیرد. از این بابت می توان برای رهبری ساحتی ابزاری قائل شد. اهداف رهبری از پیش تعیین شده اند و این موضوع رهبری را با هدایت "باری به هر جهت" یک گروه متمایز می سازد.
 - رهبری امری عمدی یا "متعامدانه" محسوب می شود. تأثیرات تصادفی و بدون قصد و برنامه ای که همه افراد بر یکدیگر می گذارند در چارچوب رهبری تعریف نمی شود.
 - رهبری مستلزم تجمیع انگیزه بالا، مسئولیت پذیری و صلاحیت در یک فرد است.

فَرادَسْتی / سیادت (Hegemony)

هنگامی که یک طبقه اجتماعی، فراتر از محدوده قهر یا قانون، بر دیگران اعمال قدرت کند، آن قدرت را می‌توان قدرت هژمونیک توصیف کرد. هژمونی موقعیتی ویژه است که یک فرد، گروه، طبقه، موسسه و یا کشور با قرار گرفتن در آن، انظار را به خود جلب نموده و با ایجاد وضعیت تسلیم و تواضع در دیگران، آنان را متقاعد می‌کند تا به رهبری‌اش تن دهند. هژمونی محدود به استیلای حکومتی نمی‌باشد و زمینه‌های مختلف علمی، فناوری، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را شامل می‌شود. از دیدگاه آنتونیو گرامشی، ایدئولوژیهای غالب از طریق اجتماعی سازی، توسعه پیدا می‌کنند، و از این منظر هژمونی را می‌توان به معنای تلاش برای به دست آوردن قدرت از طریق توسعه ایدئولوژیک و فرهنگی دانست. در ادبیات روابط بین‌الملل، هژمونی به وجود یک قدرت بدون رقیب جهانی که هیچ منازعی در سطح جهان نداشته باشد، اطلاق می‌شود. از مفهوم هژمونی در روابط بین‌الملل، با عناوین چیرگی، استیلا، سلطه‌جویی، چیرگی‌خواهی، و استیلاخواهی هم یاد شده است. در حالیکه این واژه‌ها بیشتر برای مفهوم Domination (سلطه) مناسب هستند.



رشد علمی (Scientific Growth)

افزایش حجم دانش در یک رشته علمی که بطور غالب از طریق پژوهش صورت می گیرد، رشد علمی نامیده می شود.

پژوهشگران در هر دیسپلین علمی مسئول رشد علمی در آن دیسپلین علمی هستند.

توسعه علمی (Scientific Development)

افزایش حجم دانش در یک رشته علمی همراه با افزایش ظرفیت‌های فلسفی، نظری، انسانی، اجتماعی، نهادی و فیزیکی در آن رشته علمی، توسعه علمی نامیده می‌شود. رشد علمی، مفهومی کمی و سطحی ولی توسعه علمی مفهومی کیفی و عمقی است. در توسعه علمی علاوه بر رشد کمی، نهادهای علمی نیز متحول می‌شوند، نگرش‌ها تغییر می‌کنند، توان بهره برداری از ظرفیت‌های موجود به صورت مستمر و پویا افزایش می‌یابد و نوآوری‌های جدید انجام می‌شود. اهداف اصلی توسعه علمی افزایش دانش و استفاده از آن دانش برای تولید فناوری و بکارگیری فناوری برای تسهیل و ارتقاء کیفیت کار و زندگی است. **دانشمندان** در هر دیسپلین علمی مسئول توسعه علمی در آن دیسپلین علمی هستند.

مرجعیت علمی (Scientific Supremacy)

مرجعیت علمی شکلی از قدرت نرم مشروع است که به واسطه فرادستی و سیادت در حوزه های علم و فناوری حاصل می گردد.

پیشگامی در توسعه مرزهای دانش، و دارا بودن بیشترین سهم از فعالیت ها، فرایندها و محصولات دانشی در یک رشته علمی از مصادیق بارز مرجعیت علمی محسوب می گردد.

مرجعیت علمی به معنی تأثیرگذاری محوری بر جایگاه کنونی و شکل گیری وضعیت آینده یک رشته علمی می باشد.

جایگاه مرجع علمی خواستگاه علم هنجار می باشد.

سیاست گذاران حوزه علم و فناوری در هر دیسپلین علمی مسئول حصول به جایگاه مرجعیت علمی در آن دیسپلین علمی هستند.





معاونت آموزش و کارآفرینی

آموزش و پرورش خلاقیت و نوآوری در مسیر مرجعیت

حمید حمزه زاده

جهاد دانشگاهی علوم پزشکی شهید بهشتی

سه شنبه

۲۶ مهر ماه ۱۴۰۱